

خبر

پزشکیان: بر گفت‌وگوی سازنده تاکید داریم اما وادار به تسلیم نمی‌شویم

رئیس جمهوری با بیان اینکه ایران دنبال جنگ نیست و همواره بر گفت‌وگو و تعامل سازنده تاکید دارد، تصریح کرد: هرگونه تلاش برای تحمیل اراده یا وادارسازی ایران به تسلیم، محکوم به شکست است و مردم هرگز چنین رویکردی را نخواهد پذیرفت. مسعود پزشکیان در ادامه بازدیدهای ستادی و نظارتی از دستگاه‌های اجرائی کشور با حضور سرزده در بخش‌های مختلف سازمان اورژانس استان تهران، از نزدیک در جریان روند خدمت‌رسانی، سطح آمادگی عملیاتی و ظرفیت‌های تخصصی این مجموعه قرار گرفت. رئیس‌جمهوری با دریافت گزارش‌های تخصصی از رئیس اورژانس استان تهران و فرماندهان عملیاتی، عملکرد امداد‌رسانی به آسیب‌دیدگان در شرایط جنگی را بررسی و از اقدامات مستمر نیروهای امدادی تقدیر کرد. پزشکیان کارنامه مجموعه اورژانس به‌ویژه در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران را درخشان توصیف کرد و این نهاد را از ارکان کلیدی مدیریت بحران ملی و تضمین‌کننده استمرار خدمات حیاتی در شرایط دشوار دانست. رئیس‌جمهوری در ادامه بازدید با حضور در جمع کارکنان اورژانس و گفت‌وگو با آنان در جریان مسائِل، چالش‌ها و نیازهای این حوزه قرار گرفت و با قدردانی از تعهد و حضور میدانی نیروها اظهار کرد: بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در روند خدمت‌رسانی اورژانس در جنگ هیچ خلأیی احساس نشده و مردم در دریافت خدمات فوریت‌های پزشکی دچار کمبود نشدند. تحقق چنین سطحی از خدمت‌رسانی، در عمل دستاوردی بزرگ و قابل توجه است. وی با تاکید بر اهمیت حضور مستمر نیروهای اورژانس در صحنه‌های عملیاتی افزود: این میزان از آمادگی، ایثار و حضور مؤثر، سرمایه‌ای ارزشمند برای کشور است که اهمیت آن فراتر از توصیف‌های لفظی است. تداوم این روحیه در میان مردم، مدیران و خدمتگزاران، موجب تقویت اقتدار ملی خواهد شد و در چنین شرایطی، هیچ قدرتی قادر نخواهد بود این ملت را به زانو درآورد. پزشکیان با اشاره به مواضع اصولی ایران با وجود تجاوزگری آمریکا و رژیم اسرائیل، تصریح کرد: ایران به دنبال جنگ و بی‌ثباتی نیست و همواره بر گفت‌وگو و تعامل سازنده با کشورهای مختلف تاکید دارد؛ با این حال، هرگونه تلاش برای تحمیل اراده یا وادارسازی کشور به تسلیم، محکوم به شکست است و ملت ایران هرگز چنین رویکردی را نخواهد پذیرفت.

یادداشت

بازنگاه تاریخی

چنان‌که یکی از علل مهم ضعف دموکراسی و فرهنگ دموکراتیک در کشورهای نفتی دارای درآمد سرانه بالا را وابستگی این درآمدها به نفت و ضعف مالیات‌ستانی می‌دانند؛ چراکه آنها به تعبیری «زمین را حفاری می‌کنند و از آن پول استخراج می‌کنند». درحالی‌که کشورهای که از طریق صنعتی‌شدن، صاحب ثروت می‌شوند، مسیر هموارتری را به سمت دموکراسی طی می‌کنند؛ چراکه در این مسیر است‌که مجموعه‌ای از تغییرات در آموزش و پرورش و رشد نهادسازی مدنی و… رخ می‌دهد که از پایه‌های توسعه پایدار است.

۳- در آرامش چندروزه پس از آتش‌بس ایسن جنگ ویرانگر، میهمان در بزنگاهی تاریخی، بزنگاه یک «بازی بزرگ» قرار دارد. دو بازیگر اصلی میدان داخلی، یکی نظام حکمرانی است که با توجه به اشراف اطلاعاتی و تصویر بزرگی که از وضعیت جنگ و امور کشور دارد و همچنین با توجه به دست نسبتا بالاتر و در نتیجه قدرت چانه‌زنی کمبودش می‌دارد، می‌تواند با گرفتن حداکثر امتیازات ممکن، صلح و رفاه و آسایش جامعه و حفظ امنیت ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور را فراهم کند. بازیگر دیگر مردم هستند که در چارچوب قرارداد اجتماعی باید به وظایف خود به‌عنوان یک شهروند مسئول توجه کنند و نه جنگ را موهبتی بزرگ و صحنه تقابل حق و باطل دانسته و اقدامات صلحت‌اندیشانه برای توفی آن را به منزله ازدست‌رفتن فرصت تاریخی نابودی دشمنان بدانند و نه آنکه جنگ را راه‌حل مشکلات کشور ندانسته و انتظار معجزه و… را داشته باشند. «آزادی و دموکراسی، هرچند در سطح مفهومی، بسیار فراگیر و جهان شمول است، اما در بعد اجرایی، هدیه گرفتنی نیست و برعکس، به‌شدت بومی بوده و به عبارت روشن‌تر، صرفا ساخت داخل آن، مانند‌کار و پایدار است. هیچ چاره‌ای جز طی یک فرایند تدریجی درونی و همراه با یادگیری‌های مرحله‌ای نیست.» (دکتر مسعود نیلی- ۱۹/۵/۱۴۰۵). متأسفانه دهه‌هاست که کشورمان تحت تأثیر پارادایم‌های تاریخ مصرف گذشته و مبتنی بر تضاد منافع کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه، برای جذب سرمایه و فناوری و گسترش بازار بازمانده و از این گذر آسیب فراوان دیده است. این در حالی است که در جهان امروز (حتی در این روزهای سلطه ترامپسیسم)، گسترش ارتباط جهانی نه‌فقط سبب تضعیف منافع ملی نمی‌شود، بلکه کشورهای توانسته‌اند مردم خود را به رفاه برسانند که سیاست خارجی همسو با این پارادایم و حضور در زنجیره تولید و ارزش جهانی را اتخاذ کنند. از این روزهای بسیار سخت و پراضطراب یا آینده‌نگری و در نظر گرفتن منافع ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی و از طریق گشودگی سیاسی و ایجاد فضای گفت‌وگویی و کسب نظرات مردم به‌عنوان داروان اصلی (از طریق نظرسنجی و نظرخواهی و فراندوم و…) بزنگاهی تاریخی بسازیم؛ بزنگاهی که «چرخه فضیلت» و جایگاه نهادهای باز و فراگیر اقتصادی و سیاسی را در میهمانان مستحکم کند.

در جست‌وجوی فضاهای جمعی جدید

به‌هرحال، جمع‌های مردمی محلی، همیشه در طول تاریخ گذشته کشورمان در محلات وجود داشته‌اند. گروه‌هایی مانند عیاران و لوطی‌های دوران قاجار که در زمان جنگ و قحطی و بیچارگی به کمک مردم فقیر شهرها می‌شتافتند و مردم شهر از فقیر و غنی نیز به‌نوعی نقش‌شمار می‌شناختند. کاری که لوطی‌های جوان با رفتارهای خاص جمعی، هوشمندانه برای خود انتخاب کرده بودند. در جامعه تعادل ایجاد می‌کرد. آنها جوانمردانی بودند قابل احترام در محلات مختلف شهرهای قدیم که از یک سو با بازاریان و حاکمان ارتباط داشتند و از سوی دیگر با مردم فقیر محلات، اما نقشی رسمی نداشتند و در کتاب‌های قدیم بیشتر از آنها به‌عنوان دزد و بیکار و حق‌پار یاد شده است. آنها با اخلاق پهلوانی در روزخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها وقت می‌گذراندند و در هدایت اعتراضات و شورش‌های شهری نقش داشتند. روایت شده‌که ای‌دئال آنها داشتن شخصیتی مشابه قهرمانان شاهنامه بوده که شرح داستان‌های یونان در برده‌خوانی‌های قهوه‌خانه‌ها و باتوق‌های شهر می‌شنیدند. آنها به خاطر قدرت جذب مردمی‌شان دارای قدرتی واقعی ولی غیررسمی بودند و در دوران بحران همیشه طرف مردم را می‌گرفتند. امروز و در شرایط جنگی، اگرچه هیچ مقایسه‌ای نمی‌توان بین این گروه‌های قدیم و جدید کرد، اما در حوزه‌های تخصصی شهری، پوشش‌هایی در حال شکل‌گرفتن هستند که به‌تدریج اینجا در مورد آنها خواهیم نوشت. یقین دارم که ما مردم ایران می‌توانیم راه‌های امن‌تر و عاقلانه‌تری را توسعه کنیم و در کنار مشکلات موجود، به نوعی شکوفایی اجتماعی در سطح غیردولتی مردمی‌تر دست نیابیم. همان‌طور که در تمام کشورهای دیگر جهان این گروه‌ها به شکل انجمن‌های محلی یا حرفه‌ای سال‌هاست به وجود آمده‌اند و برای مردم و به دست مردم، به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

مالک مصدق: این روزها فضای سیاسی و رسانه‌ای پیرامون آینده روابط تهران و واشنگتن همچنان در وضعیت سیال و چندلایه‌ای قرار دارد. با این وجود، نشانه‌ها حاکی از تقویت گمانه‌زنی‌ها درباره برگزاری دور دوم مذاکرات میان ایران و ایالات متحده است؛ روندی که پس از نشست شنبه و پامداد یکشنبه در اسلام‌آباد وارد فاز جدیدی شده و اکنون با اظهارات تازه دونالد ترامپ به نقطه اوج خود رسیده است. رئیس‌جمهور آمریکا در مواضعی متناقض اما معنادار، از یک سو پایان قریب‌الوقوع جنگ را مطرح می‌کند و در سوی دیگر از عدم تمایل به تمدید آتش‌بس سخن می‌گوید؛ موضعی که بر پیچیدگی معادلات می‌افزاید. هم‌زمان، طرح‌هایی همچون محاصره دریایی و فشارهای میدانی، در کنار تلاش‌های دیپلماتیک برای ازسرگیری گفت‌وگوها، نوعی دوگانگی استراتژیک را به نمایش گذاشته است؛ به‌خصوص آنکه وال‌استریت ژورنال مدعی شده که آمریکا حدود ۱۰ هزار نیروی اضافی و چندین ناو جنگی به خاورمیانه اضافه خواهد کرد تا در صورت عدم توافق، آماده حمله زمینی باشد. به ادعای این رسانه، در حال حاضر ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در منطقه حضور دارند. ضمناً گفته می‌شود ناو جورج بوش نیز در حال عزیمت به آب‌های خلیج فارس است.

در چنین شرایطی، اگرچه تهدیدها و فشارها همچنان پابرجاست، اما مجموعه‌ای از تحکرات سیاسی، مینجیگری‌ها و سیگنال‌های طرفین نشان می‌دهد که همچنان می‌توان روزنه‌هایی برای احیای دیپلماسی متصور بود. این امیدواری البته شکننده است و در بستری از بی‌اعتمادی تاریخی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و فشارهای داخلی و خارجی شکل می‌گیرد. در همین راستا عصر دیروز ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، در راس یک هیئت‌عالی‌رتبه سیاسی-امنیتی وارد تهران شد. پیش از عزیمت او گفته می‌شد این هیئت حامل پیام جدیدی از سوی واشنگتن برای مقامات ایرانی بوده و قرار است درباره روند و جزئیات دور دوم مذاکرات گفت‌وگو کنند.

طبق این ادعاها، یکی از محورهای اصلی این سفر، بررسی مقدمات دور بعدی مذاکرات میان ایران و آمریکاست که احتمالاً در اسلام‌آباد برگزار خواهد شد. هم‌زمان، گمانه‌زنی‌ها درباره زمان نزدیک برگزاری این مذاکرات افزایش یافته است. مجموعه شرایط مؤید آن است که آنچه اکنون در برابرناظران قرار دارد، نه یک مسیر روشن و قطعی، بلکه تقاطع پیچیده‌ای از جنگ، مذاکره و بازی‌های قدرت است که آینده آن در تصمیمات روزهای پیش‌رو گره خورده است. اظهارات دونالد ترامپ در روزهای اخیر بیش از هر زمان دیگری بر پیچیدگی وضعیت کنونی افزوده است. او در گفت‌وگو با فاکس نیوز مدعی شد که جنگ با ایران «به پایان نزدیک است» و در عین حال تاکید کرد که اگر اکنون از جنگ عقب‌نشینی کند، بازسازی ایران ممکن است «۲۰ سال» طول بکشد. این دوگانه، هم‌زمان با ادعای تمایل شدید ایران برای دستیابی به توافق، نشان می‌دهد که کاخ سفید در حال حرکت در مسیری چندوجهی است؛ مسیری که هم‌زمان فشار و مذاکره را دنبال می‌کند.

ترامپ همچنین از احتمال برگزاری مذاکرات در روزهای آینده، حتی طی دو روز، سخن گفت و پاکستان را یکی از گزینه‌های محتمل برای میزبانی پیشنهاد کرد؛ هرچند در موضعی دیگری احتمال انتقال مذاکرات به ترکیه یا یکی از کشورهای اروپایی را نیز مطرح کرد. این تغییر مداوم در روایت‌ها، از نبود یک چارچوب مشخص در سیاست‌گذاری واشنگتن حکایت دارد. البته آوسشیدپریس خبر داد که میناجی‌ها روز چهارشنبه به تمدید آتش‌بس بین آمریکا و ایران و ازسرگیری مذاکرات برای نجات آتش‌بس شکننده پیش از انقضای آن در هفته آینده، نزدیک‌تر شدند. با این وجود، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان، در نشست خبری دیروز، چهارشنبه، عنوان کرد که «زمان مشخصی برای دور بعدی مذاکرات تعیین نشده است.»

در همین حال، شبکه سی‌ان‌ان گزارش داده که چهره‌هایی همچون جی‌دی ونس و جرد کوشرن پس از نشست ۲۱‌ساعته اسلام‌آباد، تماس‌های فشرده‌ای با طرف ایرانی و میناجی‌ها داشته‌اند. ونس نیز با تشریح «معامله بزرگ ترامپی» تاکید کرده که هدف، توافقی فراتر از یک توافق محدود است؛ توافقی که شامل توقف برنامه هسته‌های ایران و ادغام این کشور، در اقتصاد جهانی باشد. با این حال، در داخل آمریکا نیز اجماع روشنی وجود ندارد. بیل فاستر، عضو کنسره، از نبود تخصص فنی در تیم مذاکره‌کننده انتقاد کرده و برخی سناتورهای جمهوری‌خواه نیز نسبت به طولانی شدن جنگ و تبعات اقتصادی آن، از جمله افزایش قیمت انرژی، ابراز نگرانی کرده‌اند. گزارش وال‌استریت ژورنال نشان می‌دهد این نگرانی‌ها می‌تواند بر معادلات سیاسی داخلی آمریکا تأثیرگذار باشد.

دیپلماسی در سایه مینجیگری‌ها؛ از اسلام‌آباد تا گزینه‌های اروپایی

هم‌زمان با این اظهارات سیال مقامات آمریکایی، تحکرات دیپلماتیک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور محسوسی افزایش یافته است. گزارش‌های روتیزر، الجزیره و ان‌بی‌سی نیز همگی بر احتمال ازسرگیری مذاکرات در همین روزهای پایانی هفته با اوایل هفته آینده تاکید دارند؛ هرچند هنوز تاریخ قطعی تعیین نشده و گزینه‌هایی مانند پنجشنبه، جمعه یا یکشنبه برای دیدار احتمالی مطرح شده است، البته که پاکستان در این میان نقشی محوری ایفا می‌کند. به گفته منابع مختلف، اسلام‌آباد تلاش‌های خود را برای میزبانی دور دوم مذاکرات تشدید کرده و حتی احتمال حضور بازیگران مهمی مانند رهبران عربستان، ترکیه و مصر نیز مطرح شده است. در همین راستا، ولی نصر، مشاور ایوباما نیز تاکید کرده که پاکستان به‌طور فعال در حال مینجیگری است. نیویورک‌تایمز نیز گزارش داده که هنوز مشخص نیست سطح مذاکرات چگونه خواهد بود؛ آیا در سطح عالی سیاسی ادامه می‌یابد یا به کارشناسان فنی واگذار می‌شود. علی‌ا بهنام، نشان‌دهنده وجود اختلافات جدی بر سر موضوعاتی کلیدی مانند برنامه هسته‌ای و وضعیت تنگه هرمز است.

در همین حال رافائل گروسی، مدیرکل ژآرانس بین‌المللی انرژی اتمی، اعلام کرده که شواهدی از وجود یک برنامه نظام‌مند برای تولید سلاح هسته‌ای در ایران وجود ندارد؛ اظهارنظری که می‌تواند به شکل مثبت بر فضای مذاکرات تأثیرگذار باشد؛ هرچند وی همچنان خواستار شمول بیشتر تهران شده است. از سوی

دیگر، مقامان کشورمان نیز بر چارچوب حقوق بین‌الملل تاکید دارند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور تصریح کرده که تهران به دنبال حقوق خود در همین چارچوب است و تاکید کرده که نمی‌توان حقوق یک کشور را نادیده گرفت و هم‌زمان انتظار ثبات داشت. در کنار این تحکرات دیپلماتیک مثبت و زمزمه دور جدید مذاکرات، فشارهای میدانی همچنان ادامه دارد. موضوع محاصره دریایی و کنترول تنگه هرمز به یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف تبدیل شده است. به گزارش ان‌بی‌سی‌نیوز، بازگشایی تنگه هرمز و مسئله هسته‌ای دو مانع بزرگ در مسیر هرگونه توافق هستند. یان برمر، تحلیلگر سیاسی، این وضعیت را نوعی «عقب‌نشینی نسبی» از سوی ترامپ توصیف کرده و معتقد است ترکیب محاصره با آتش‌بس، نشانه‌ای از تلاش برای یافتن راه خروج از بحران است. او همچنین تاکید دارد که ایران احتمالاً در موضوع غنی‌سازی اعطاف بیشتری نشان خواهد داد تا در مسئله حاکمیت بر تنگه هرمز.

در همین حال، یک مقام کاخ سفید اعلام کرده که «همه عناصر لازم برای یک توافق» وجود دارد، اما هنوز توافق نهایی شکل نگرفته است. این ارزیابی، در کنار گزارش‌هایی مبنی بر ادامه تماس‌ها و بازبودن مسیر مذاکرات، نشان می‌دهد که دیپلماسی همچنان زنده است؛ هرچند با موانع جدی مواجه است. در سطح بین‌المللی نیز حمایت‌هایی از ادامه مذاکرات دیده می‌شود. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، بر لزوم ادامه گفت‌وگوها تاکید و اعلام کرده که مسکو و پکن آماده حمایت از این روند هستند. او همچنین بر حق ایران در غنی‌سازی تاکید کرده است. در اینجی‌اس کار آنچه از مجموع این تحولات برمی‌آید، تصویری پیچیده از آینده نامطمئن است؛ آینده‌ای که در آن، دیپلماسی و تقابل به‌طور هم‌زمان پیش می‌روند. اگرچه نشانه‌هایی از تمایل به توافق وجود دارد، اما اختلافات بنیادین، بی‌اعتمادی و تقابل و فشارهای میدانی، همچنان مسیر دستیابی به یک توافق پایدار را دشوار و پرحالش کرده است.

تهران: تبادل پیام میان ایران و آمریکا ادامه دارد

پیرو این فضای ضد و نقیض، دیروز، چهارشنبه، شاهد برگزاری نشست خبری سخنگوی وزارت خارجه بودیم؛ عمده گفته‌های اسماعیل بقایی درباره روند اخیر مذاکرات اسلام‌آباد و گفت‌وگوهای احتمالی پیش‌رو بود. با این حال، مقامات سخنگوی دستگاه دیپلماسی حکایت از رویکردی متفاوت با ادوار پیشین داشت؛ مذاکراتی که به گفته بقایی با هدف «توقف کامل جنگ و احقاق حقوق ایران» دنبال شده و صرفاً محدود به رفع تحریم‌ها نبوده، بلکه موضوعاتی مانند جبران خسارات ناشی از درگیری با آمریکا و رژیم صهیونیستی را نیز دربر گرفته است. این دیپلمات کشورمان با اشاره به ترکیب هیئت ایرانی در پاکستان تاکید کرد که «حضور مقامات عالی‌رتبه از جمله نمایندگان از قوای مختلف، شورای عالی امنیت ملی، وزارت امور خارجه و حتی نهادهایی مانند بانک مرکزی، حامل پیام روشنی برای طرف مقابل و جامعه بین‌المللی بوده است». به گفته او، «این سطح از مشارکت نشان‌دهنده عزم جدی جمهوری اسلامی برای پیگیری یک توافق جامع و چندبعدی است. در مقابل، طرف آمریکایی نیز با ارتقای سطح نمایندگی خود در مذاکرات شرکت کرده است». سخنگوی وزارت خارجه در ادامه «خبر از سفر هیئت پاکستانی به تهران داد». به گفته بقایی، «تبادل پیام‌ها با طرف آمریکایی ادامه دارد و از همان روز یکشنبه که هیئت ایران به تهران برگشت تا امروز پیام‌های متعددی از طریق کانال‌های دیپلماتی تبادل شده است.»

با این حال درخصوص اختلافات مطرح‌شده درباره غنی‌سازی، سخنگو تصریح کرد «گمانه‌زنی‌های رسانه‌های غربی قابل تأیید نیست». سخنگوی دستگاه دیپلماسی این را هم عنوان کرد که «موضوع آزادسازی اموال مسدودشده ایران در گفت‌وگوها مطرح شده، اما به جمع‌بندی نهایی نرسیده است». دیپلمات ارشد کشورمان با رد ادعاهاى مطرح‌شده از سوی مقامات آمریکایی تصریح کرد: «ایران اساساً برای پذیرش شروط آمریکا وارد مذاکره نمی‌شود». او خاطر‌نشان کرد: «معیار اصلی تیم مذاکره‌کننده، تأمین منافع و حقوق ملت ایران است و هرگونه مذاکراتی که مبتنی بر تحمیل شروط یک‌جانبه باشد، از نظر ایران فاقد اعتبار و خارج از چارچوب واقعی گفت‌وگو است.»

او همچنین به بسته پیشنهادی ۱۰بندی ایران ورود کرد که در

واکنش به طرح ۱۵بندی آمریکا ارائه شده و شامل موضوعاتی

همچون پرونده هسته‌ای، رفع تحریم‌ها، جبران خسارات و توقف

جنگ است. به گفته بقایی، «در مذاکرات اسلام‌آباد، دو طرف

صرفاً دیدگاه‌های خود را مطرح کردند و انتظار آمریکا برای

پذیرش بی‌قیدوشرط پیشنهادش، غیرواقع‌بینانه و مغایر با اصول

مذاکره است». سخنگوی وزارت امور خارجه این را هم اعلام کرد

که هنوز زمان مشخصی برای دور بعدی مذاکرات تعیین نشده و

افزود: «برخی دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی آمریکا، به‌ویژه در

حوزه هسته‌ای، از نظر ایران غیرمقبول بوده و پیش‌تر نیز موضع

کشور در قبال آنها به‌روشنی بیان شده است.»

او تاکید کرد که «حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی

هسته‌ای، حقی تثبیت‌شده در چارچوب معاهده منع گسترش



سلاح‌های هسته‌ای است و قابل سلب یا معامله نیست. با خود این، ایران همواره آمادگی خود را برای گفت‌وگو دربارهٔ «نوع و سطح غنی‌سازی» اعلام کرده، مشروط بر اینکه این گفت‌وگوها در چارچوب نیازهای کشور و حفظ حقوق اساسی آن باشد». سخنگوی وزارت خارجه همچنین به موضوع پیشنهاد روسیه درباره پذیرش اورانوم غنی‌شده ایران اشاره کرد و گفت: «در هر توافق احتمالی، گزینه‌های متعددی برای حل مسألهٔ فنی وجود دارد. تجربه‌های پیشین، ازجمله توافق برجام، نشان داده که راهکارهای مختلفی قابل آزمون است، اما هنوز مذاکرات به مرحله‌ای نرسیده که بتوان درباره جزئیات اجرایی چنین پیشنهادهایی تصمیم‌گیری کرد.»

او در ادامه با انتقاد از عملکرد آمریکا در روندهای قبلی، به «بدهی‌های» و حتی اقدام نظامی علیه ایران اشاره کرد و گفت: «این اقدامات باعث شده اعتماد به طرف مقابل به‌شدت کاهش یابد». به گفته بقایی، «همین تجربه‌ها موجب شده ایران با احتیاط بیشتری در مسیر دیپلماسی حرکت کند». در پاسخ به نگرانی‌ها درباره احتمال سواستفاده از مذاکرات برای اقدام نظامی، بقایی تأکید کرد: «نیروهای مسلح ایران به‌صورت مستمر و ۲۴‌ساعته تحولات را رصد می‌کنند و آمادگی کامل برای مقابله با هرگونه تهدید را دارند». او این هوشیاری را تنها تهنهٔ مربوط به شرایط فعلی، بلکه بخشی از یک رویکرد دائمی در مواجهه با تهدیدهای خارجی دانست. در بخش دیگری از نشست خبری دیروز، بقایی به موضوع آتش‌بس و احتمال تمدید آن پرداخت و تصریح کرد «هیچ‌یک از گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده در این خصوص قابل تأیید نیست». به گفته او، «مذاکرات همچنان از طریق واسطهٔ پاکستانی ادامه دارد و قضاوت درباره آینده آن به میزبان جدیت واقعی آمریکا بستگی دارد». این دیپلمات کشور با تاکید بر سابقهٔ آمریکا در تفسیر مواضع و نقض تعهدات، خاطر‌نشان کرد: «نمی‌توان به سادگی به توافقات احتمالی اعتماد کرد». از نظر بقایی، هرگونه تقاضا باید به‌صورت یک «بستهٔ کامل» دیده شود و نمی‌توان اجزای آن را جداگانه بررسی یا نهایی کرد.

فرشید باقریان: ایران و آمریکا به نقطه توازن در جنگ و مذاکره رسیده‌اند

در حالی که تهران اعلام کرده هنوز زمان مشخصی برای دور بعدی مذاکرات تعیین نشده، ابهام درباره راهبرد واشنگتن بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است. آیا دونالد ترامپ به

دنبال جنگ است یا مذاکره؟ آیا هدف، آتش‌بس موقت است یا توافقی پایدار؟ این پرسش‌ها در فضای پس از مذاکرات اسلام‌آباد، به یکی از محورهای اصلی تحلیل‌ها تبدیل شده است. در گفت‌وگوهای «شرق» با فرشید باقریان تلاش شده این رفتار متناقض از زاویه‌ای متفاوت بررسی شود. تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل در توصیفی استعاری می‌گوید: «ترامپ را می‌توان به گیلۀ آفتابگردان تشبیه کرد؛ سیاست‌مداری که مدام در حال چرخش به سمت منابع و مجموعه‌ای از بازیگران و جریان‌هایی است که بر تصمیمات ترامپ اثر می‌گذارند؛ از مجتمع‌های نظامی و امنیتی تا لابی‌های اقتصادی و انرژی.»

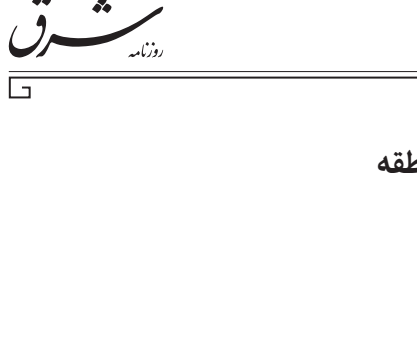
این کارشناس معتقد است: «یکی از مشکلات اصلی در رفتار ترامپ، فقدان یک چارچوب منسجم تصمیم‌گیری است؛ چون ترامپ بیش از آنکه یک سیاست‌مدار کلاسیک باشد، بازیاب‌دهنده دیدگاه‌هایی است که از محیط اطرافش دریافت می‌کند. او، اوکل، دیدگاه‌ها را بدون پردازش عمیق، مستقیم در مواضع خود منعکس می‌کند. به همین دلیل است که گاهی در فاصله چند ساعت، مواضع متفاوت و حتی متناقضی از او می‌بینیم.»

به گفته باقریان، «این ویژگی باعث شده راهبرد مشخصی به‌ویژه در قبال ایران قابل تشخیص نباشد. بنابراین به نظر می‌رسد طرح اولیه یا همان پلن A در قالب فشار و حتی جنگ نظامی تا حدی به بن‌بست رسیده و اکنون واشنگتن در جست‌وجوی یک پلن B است و در این میان تلاش برای ادامه مذاکرات در اسلام‌آباد را می‌توان تلاشی برای ازمودن مسیرهای جایگزین دانست». تحلیلگر حوزه سیاست خارجی با اشاره به اهمیت مذاکرات احتمالی پیش‌رو در پاکستان یا در هر کشور دیگری از ادعان دارد: «آنچه در دور اول در اسلام‌آباد رخ داد، از نظر سطح و شکل، کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه بود و حضور مقامات عالی‌رتبه از دو طرف نشان می‌دهد که هر دو کشور، با وجود تنش‌ها، به دنبال یافتن راهی برای مدیریت بحران هستند. از این‌رو می‌توان به دور تازه مذاکرات خوش‌بین بود.»

با این حال تحلیلگر مسائل بین‌الملل تأکید می‌کند: «بخش قابل توجهی از مواضع تند و تهدیدآمیز ترامپ علیه ایران در این روزها بیش از آنکه کارکرد خارجی داشته باشد، مصرف داخلی دارد. یعنی در هر درگیری، نوعی کنش سیاسی وجود دارد؛ اظهاراتی که بیشتر برای افکار عمومی داخلی بیان می‌شود تا ایجاد پیام واقعی به طرف مقابل. بنابراین معادلات دولت‌ها علیه یکدیگر از طریق کانال‌های اطلاعاتی و امنیتی رصد می‌شود، نه از طریق توییت‌ها یا تیترورنامه‌ها.»

مأموریت هیئت پاکستانی در تهران و احتمال باز شدن گره دور تازه مذاکرات در معادلات منطقه

بوی توافق در تهران



در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان به موفقیت مذاکرات جدید و حصول توافق امیدوار بود، باقریان با احتیاط پاسخ می‌دهد که «این را نمی‌توان خوش‌بینی نامید، اما نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد دو طرف به نقطه‌ای رسیده‌اند که ادامه وضعیت فعلی برایشان پرهزینه است». او در توضیح این وضعیت به مفهوم «نقطه اوج» یا Culmination Point ورود کرده و اشاره می‌کند: «در علوم نظامی و سیاسی، لحظه‌ای وجود دارد که طرفین درگیر به توازن می‌رسند؛ نه یکی توان پیشروی دارد و نه دیگری امکان عقب‌نشینی بدون هزینه. این همان نقطه‌ای است که زمینه را برای حرکت به سمت مذاکره فراهم می‌کند». به گفته این تحلیلگر، وضعیت فعلی ایران و آمریکا شباهت زیادی به همین شرایط دارد که «دو طرف عملاً در حالت تقابل ایستاده‌اند، بدون آنکه درگیری گسترده‌ای رخ دهد. نوعی آتش‌بس ناخوشه برقرار است، اما این آتش‌بس شکننده و بی‌اعتماد است. حال باید دید تمایل طرفین بر مذاکره به نتیجه می‌رسد یا خیر».

امیرعلی ابوالفتح: ترامپ به دنبال تحمیل اراده است، نه مذاکره

در تحلیل شرایط جاری، امیرعلی ابوالفتح نیز به عنوان دیگر کارشناس در گفت‌وگوی خود با «شرق» ابتدا تأکید می‌کند که «مجموعه تناقضات رفتاری ترامپ از تمایل به مذاکرات و توافق تا



هشدار به تهران، در واقع بخشی از یک راهبرد واحد است؛ اینکه تمام این اقدامات، چه در قالب دیپلماسی و چه در چارچوب تهدید نظامی یا فشار اقتصادی و بستن تنگه هرمز، در راستای یک هدف مشخص دنبال می‌شود و آن واداشتن تهران به پذیرش خواسته‌های ایالات متحده است.» به گفته تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا، «این خواسته‌ها جدید نیستند و ریشه در همان طرحی دارند که ترامپ در دولت اولش از سال ۲۰۱۸ مطرح کرده و همچنان نیز بر آن تاکید دارد.»

این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: «برای آمریکا تفاوتی ندارد این هدف از چه مسیری محقق شود؛ مذاکره، جنگ یا محاصره اقتصادی و…؛ چون همه ابزارهایی هستند برای رسیدن به نتیجه مطلوب. اگر مذاکرات به نتیجه مورد نظر واشنگتن منجر شود، طبیعتاً گزینه ترجیحی خواهد بود، اما تجربه نشان داده که چنین نتیجه‌ای حاصل نشده و همین موضوع احتمال توسل به گزینه‌های دیگر را افزایش می‌دهد. این کارشناس حوزه بین‌الملل در پاسخ به این پرسش که آیا احتمال هم‌زمانی مذاکره و درگیری نظامی وجود دارد؟ تصریح می‌کند: «این دو الزاماً در تقابل با یکدیگر نیستند. حتی ممکن است در آستانهٔ واخین مذاکرات، اقدام نظامی صورت گیرد. به بیان دیگر، جنگ و مذاکره می‌توانند هم‌زمان پیش بروند و این مسئله‌ای است که در رفتار آمریکا مسیوق به سابقهٔ است.»

با این حال، برخی تحلیلگران معتقدند شرایط بین‌المللی و داخلی آمریکا ازجمله رویدادهایی مانند جام جهانی با انتخابات کنکره ممکن است مانعی برای تشدید تنش‌ها علیه ایران باشد که ابوالفتح در این‌باره دیدگاه متفاوتی دارد و به ادعان او، «مشخصیت دونالد ترامپ را نمی‌توان در چارچوب‌های معمول تحلیل کرد؛ او یک سیاست‌مدار ساختارشکن است که بارها نشان داده به قواعد مرسوم پایبند نیست؛ بنابراین نمی‌توان با قطعیت گفت که مثلاً به دلیل یک رویداد جهانی یا ملاحظاتی انتخاباتی از اقدام نظامی صرف‌نظر خواهد کرد». تحلیلگر مسائل آمریکا با اشاره به برخی مواضع غیرمتعارف ترامپ در سیاست خارجی می‌افزاید: «رفتارهای پیشین او نشان داده است اقداماتی که برای سایر رهبران غیرقابل تصور است، برای ترامپ کاملاً محتمل است. بنابراین تحلیل رفتار او نیازمند در نظر گرفتن همین ویژگی غیرقابل پیش‌بینی بودن است.»

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، موضوع شکاف‌های داخلی در جریان «ماگا» و نقش افرادی مانند جی ونس در نشست اسلام‌آباد و احتمال توافق ایران در آینده نزدیک با معاون اول ترامپ مطرح می‌شود؛ افرادی که برخی آنها را مخالف درگیری نظامی با تهران می‌دانند و ابوالفتح در این زمینه معتقد است «حتی اگر چنین صدهای صلح‌خواهانه‌ای توسط ونس وجود داشته باشد، او به‌تنباهی به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا تأثیر تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ چون ساختار قدرت در آمریکا، چه در جمهوری خواهان و چه دموکرات‌ها در موضوعاتی مانند مهار ایران تا حد زیادی همسو است.»

به تعبیر ابوالفتح، «هدف کلی در سیاست آمریکا نسبت به ایران، محدود‌سازی توان هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی است و این سیاست محدود به یک حزب یا یک فرد نیست. اختلاف‌ها ممکن است در روش‌ها باشد، اما در هدف نهایی، اجماع نسبی وجود دارد». در ادامه، بحث به امکان حل اختلافات بنیادین میان ایران و آمریکا می‌رسد؛ اختلافاتی که به گفته بسیاری از ناظران، ریشه‌ای در چنددهه‌های است و با یک یا دو نشست در پاکستان قابل حل نخواهد بود که ابوالفتح در پاسخ باور دارد: «مسئله فراتر از یک موضوع مشخص مانند غنی‌سازی، تنگه هرمز و اموال بلوکه‌شده ایران است؛ مشکل اصلی در نوع نگاه طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «ترامپ اساساً به دنبال یک توافق مبتنی بر بده‌بستان نیست؛ نگاه او بیشتر شبیه تحمیل خواسته‌هاست. یعنی انتظار دارد طرف مقابل بدون چانه‌زنی، شرایط مورد نظر آمریکا را بپذیرد. این همان منطقی است که در پایان جنگ جهانی دوم درباره آلمان طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «ترامپ اساساً به دنبال یک توافق مبتنی بر بده‌بستان نیست؛ نگاه او بیشتر شبیه تحمیل خواسته‌هاست. یعنی انتظار دارد طرف مقابل بدون چانه‌زنی، شرایط مورد نظر آمریکا را بپذیرد. این همان منطقی است که در پایان جنگ جهانی دوم درباره آلمان طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «ترامپ اساساً به دنبال یک توافق مبتنی بر بده‌بستان نیست؛ نگاه او بیشتر شبیه تحمیل خواسته‌هاست. یعنی انتظار دارد طرف مقابل بدون چانه‌زنی، شرایط مورد نظر آمریکا را بپذیرد. این همان منطقی است که در پایان جنگ جهانی دوم درباره آلمان طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «ترامپ اساساً به دنبال یک توافق مبتنی بر بده‌بستان نیست؛ نگاه او بیشتر شبیه تحمیل خواسته‌هاست. یعنی انتظار دارد طرف مقابل بدون چانه‌زنی، شرایط مورد نظر آمریکا را بپذیرد. این همان منطقی است که در پایان جنگ جهانی دوم درباره آلمان طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «ترامپ اساساً به دنبال یک توافق مبتنی بر بده‌بستان نیست؛ نگاه او بیشتر شبیه تحمیل خواسته‌هاست. یعنی انتظار دارد طرف مقابل بدون چانه‌زنی، شرایط مورد نظر آمریکا را بپذیرد. این همان منطقی است که در پایان جنگ جهانی دوم درباره آلمان طرف آمریکایی، به‌ویژه در دوره ترامپ به مفهوم مذاکره است.»